

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۱ نومبر ۲۰۱۱

## حزب کمونیست

حزب کمونیست، حزب سیاسی پیشقراول طبقه کارگر است. این حزب در مرحله ای از رشد مبارزه طبقه کارگر به وجود می آید. مبارزه پرولتاریا به ضد بورژوازی مراحل مختلف رشد و تکامل را طی می کند. در مراحل اولیه تکامل سرمایه داری، کارگران توده پراکنده ای را تشکیل می دهند که در اثر رقابت دچار افتراق اند. "هنوز یگانگی طبقه کارگر ثمره اتحاد خود آنان نیست، بلکه نتیجه یگانگی بورژوازی است." که برای مبارزه با دشمن خویش، بقایای فیودال ها و بازماندگان سلطنت و غیره و برای احراز مقاصد سیاسی خویش پرولتاریا را به حرکت در می آورد. بورژوازی قادر به انجام چنین کاری بود زیرا در آن زمان طبقه کارگر هنوز شکل نگرفته و مبارزه و جنبش آن هنوز تکامل لازم را کسب نکرده بود. در ابتداء، در این مراحل، کارگران فرد فرد مبارزه می کنند. به دها کارگر یک کارخانه و آنگاه کارگران یک رشته از صنایع یک ناحیه به ضد فلان بورژوائی که آنان را مستقیماً استثمار می نماید، شروع به مبارزه می کنند. در این مرحله، حمله کارگران تنها علیه مناسبات تولیدی بورژوائی نبوده، بلکه آنان همچنین علیه ابزار های تولید نیز مبارزه می کنند. تا این که تدریجاً تصادمات بین افراد جداگانه کارگر و افراد جداگانه بورژوا بیش از پیش شکل تصادم میان دو طبقه را به خود می گیرد. در این هنگام، کارگران در مبارزه علیه بورژوازی دست به ائتلاف می زنند و مشترکاً عمل می کنند. اولین کوشش های کارگران برای ایجاد همکاری مشترک بین خود آنها، همواره شکل اتحادیه را به خود می گیرد. اتحادیه ها نخست نیم بند، ناپایدار، محلی و جدا از یکدیگر هستند که دست به اعتصابات کم دامنه و لحظه ای می زنند، لیکن به تدریج به سازمانی از اتحادیه های دائمی در سطح ملی تکامل می یابند. همزمان با اعتصابات و مبارزات کارگران در سطح اتحادیه ها، مبارزات سیاسی آنان نیز رشد می کند. گروه ها و انجمن های انقلابی کارگری به وجود می آیند. بدینسان با تکامل مبارزات کارگری و رشد ارتباط بین آنها، مبارزه پرولتاریا یک "خصلت واحد" به خود می گیرد و به صورت یک مبارزه ملی و طبقاتی که این "خود یک مبارزه سیاسی است"<sup>۱</sup> متمرکز می گردد و این مبارزات طبقاتی و مبارزات سیاسی طبقه کارگر "مستلزم یک سازمان قبلی هستند، در حالی که به نوبه خود وسیله گسترش آن سازمان می

<sup>۱</sup> - مارکس و انگلس: "مانیفیست حزب کمونیست"

باشند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، پرولتاریا در مرحله ای از روند تکاملی مبارزه اش "به شکل طبقه و بنابراین به صورت حزب سیاسی"<sup>۳</sup> تشکیل می یابد و این تشکیل به صورت تدریجی قوام و تکامل می یابد.

بنابراین حزب کمونیست، حزب طبقه کارگر، عبارت است از تشکیل پرولتاریا به صورت یک سازمان سیاسی واحد و یا به عبارت دیگر عبارتست از وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر در سطح یک کشور.

لنین تیوری مارکسیستی حزب طبقه کارگر را تکامل داد و آن را به مثابه "امتزاج سوسیالیسم علمی با جنبش خود به خودی طبقه کارگر" تعریف نمود. در جنبش خود به خودی طبقه کارگر، کارگران به تضاد آشتی ناپذیری که بین منافع آنان و تمام رژیم سیاسی و اجتماعی معاصر موجود است، آگاهی ندارند. جنبش کارگری، وقتی که با سوسیالیسم علمی پیوند یافت، "شکل مبارزه آگاهانه پرولتاریا برای رهایی از استثمار طبقات مالک به خود می گیرد و به شکل عالیتری از جنبش سوسیالیستی کارگران"، به شکل حزب مستقل طبقه کارگر تکامل می یابد"<sup>۴</sup> سوسیالیسم علمی به وسیله کمونیست ها و از طریق تبلیغ و ترویج و اقصاءگری های سوسیالیستی و دموکراتیک، از خارج به درون طبقه کارگر برده می شود. در روند شرکت مستقیم کمونیست ها در زندگی و مبارزات طبقه کارگر و در جریان سازماندهی مبارزات کارگری و ارتقای سطح آن، حزب کمونیست به وجود می آید. اتحاد ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر به مثابه یک طبقه آگاه و ایجاد حزب کمونیست تنها در ارتباط با سازمان ها و گروه های کمونیستی که در بین کارگران نفوذ دارند و مبارزه آنان را رهبری می کنند و در رابطه با وحدت این سازمان ها است که مفهوم واقعی خود را پیدا می کند. مبارزه کارگران نیز تنها وقتی مبارزات طبقاتی واقعی می گردد که نمایندگان پیشاهنگ مجموعه طبقه کارگر تمام کشور آگاهی یافته باشند که یک طبقه کارگر واحد را تشکیل می دهند و علیه تمامی طبقه سرمایه دار و نظام سیاسی حاکم مبارزه می کنند، یعنی هنگامی که پیشقراول آگاه و متشکل طبقه کارگر (حزب کمونیست) جنبش را رهبری کند.

وظیفه حزب کمونیست در کشور های سرمایه داری رهبری مبارزه جهت انقلاب سوسیالیستی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا است. در کشور های وابسته به امپریالیسم و در عصری که انقلابات رهایی بخش جزئی از انقلابات جهانی پرولتاریائی است و وظایف دموکراتیک و سوسیالیستی به هم نزدیک و در یکدیگر ادغام گردیده اند، وظیفه حزب کمونیست دیگر به رهبری مبارزه جهت دگرگونی سوسیالیستی جامعه محدود نمی گردد، بلکه رهبری مبارزه به خاطر دموکراسی و استقلال ملی را نیز شامل می شود. پرولتاریا و حزب آن باید با تأمین سرکردگی خود در این مبارزه وظایف نبرد ضد امپریالیستی و دموکراتیک را با وظایف سوسیالیستی تلفیق نموده، در جریان این نبرد طولانی، زمینه مادی و سیاسی تکامل انقلاب ملی و دموکراتیک را به انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا فراهم آورد. مائوتسه دون می گوید:

"در دورانی که پرولتاریا قدم به عرصه سیاسی گذاشته است (... هر جنگ انقلابی که توسط پرولتاریا و حزب کمونیست رهبری نشود و یا از قلمرو آن خارج شود، محکوم به شکست است."<sup>۵</sup>

بدین ترتیب، مائوتسه دون با اتکاء به آموزش های تیوریک مارکس، انگلس، لنین و استالین و این حقیقت عام که بدون تشکیلات سیاسی مستقل و نیرومند پرولتاری، بدون یک حزب انقلابی که به اساس تیوری انقلابی مارکسیسم، لنینیسم و "سبک انقلابی مارکسیستی لنینیستی پایه گذاری شده باشد، نمیتوان توده های وسیع مردم را در پیکار علیه

<sup>۲</sup> - مارکس: از "نامه به بولته"

<sup>۳</sup> - مارکس / انگلس: "مانیفیست حزب کمونیست"

<sup>۴</sup> - لنین: "چه باید کرد؟"

<sup>۵</sup> - مائوتسه دون: "مسائل ستراتیژی در جنگ انقلابی چین"

امپریالیسم و ارتجاع به پیروزی هدایت کرد، مسایل مربوط به ارتباط وظایف دموکراتیک و سوسیالیستی را به طور خلاق روشن ساخته، مبانی ایدئولوژیک و سازمانی امر ساختمان حزب را در پروسه انقلاب دموکراتیک نوین در کشور های مستعمره و نیمه مستعمره تدوین نموده است."

\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم